حق تعالی و تصفیهٔ باطن از اخلاق ذمیمه و تحلیهٔ آن با خلاق حسنه بمرتبه رسید که محبت جناب مقدس الهی
در دل او مستقر گردد و از قید شهوات نفسانی و خیالات نفسانی رهایی یابد و پیوسته مشغول مطالعهٔ جمال و عظمت
الهی بر دل او جلوه کند پس بسبب کمال معرفت پیوسته خود را منظور نظر پروردگار خود داند و غیر از رضای
محبوب او در آنچه است بر گرد خاطرش نگردد و اگر نادر احیان معصیتی در خاطر او در آید ملاحظهٔ جلال الهی
نگذارد که پیرامون آن گردد و ایضاً شرم کند از آنکه در حضور چنین خداوندی جلیلی که پیوسته مراقب او است
مرتکب معصیت او گردد و این اسباب معصیت از او صادر نتواند شد و اگر قضایا باشند که جمیع کمال کرده اند
که حق تعالی او را مجبور میسازد بر ترک معصیت هر آینه عصمت برای او کمالی نخواهد بود و بهره ترک آن ثوابی نخواهد
داشت و بدانکه آیات و اخبار که موهم صدور معصیت است از انبیا علیهم السلام مؤول است بارتکاب مکروه و ترک
اولی و چون نسبت بجلال مرتبهٔ ایشان این نیز عظیم است تعبیر از آن بمعصیت نموده اند و جواب دیگر
دارد که در حیوة القلوب ذکر کرده ام و آنچه در تواریخ و تفاسیر ذکر کرده اند از قصص انبیا علیهم السلام که متضمن خطا
ایشان است اکثر از موضوعات و مفتریات سنیان است که از کتب یهود برداشته اند و برای آنکه خطا
خلفای جور خود را اعتذار کنند در کتب خود ایراد نموده اند و جمعی از ناقصان شیعه نیز آنها را در کتب خود
ذکر نموده اند و احادیث بسیار از طرق اهل بیت علیهم السلام بسیار است که در کتب عربی و فارسی ایراد
نموده ام و در این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس با آنها اعتماد ننماید دوم در طریق دانستن حقیقت
پیغمبران معجزه است زیرا هر که دعوی مرتبهٔ بلندی کند بمحض دعوی او باور نتوان کرد چنانچه گفته اند بیت
ای بسا ابلیس آدم روی که هست پس بهر دستی نباید داد دست چنانچه شخصی دعوی کند که من از جانب
پادشاه بر شما حاکم اطاعت من کنید بمحض گفتهٔ او کسی از او قبول نمیکند تا حجتی از جانب پادشاه مانند رقمی
[illegible] که مخصوص پادشاه باشد نداشته باشد و معجزه مثل آنست زیرا که معجزه خلعتیست که بشر از اتیان بمثل آن
عاجز باشند و بر خلاف [illegible] عادت باشد و مقارن دعوای پیغمبر ظاهر شود پس اگر فعلی باشد که از بشر معتاد شود آن
معجزه نیست مانند صنایع غریبه و حیل [illegible] و اگر فعل خدا باشد و موافق عادت باشد آن معجزه نیست
مثل آنکه در وقت طلوع آفتاب گوید معجزهٔ من آنست که آفتاب الحال طلوع میکند و اگر مقارن دعوای پیغمبری نباشد
آنرا کرامت میگویند نه معجزه مثل [illegible] حضرت مریم [illegible] هرگاه شخصی دعوی پیغمبری کند و گوید که خدا از برای [illegible]

برخداوادعیه واذکاری که روایت کرده اند از برای دفع ان سیم انکه مراد برفع ان منع ازان باشد وعدم جواز
ان چنانکه صاحب نهایه واکثر عامه فهمیده اند واینمعنی ازاین حدیث بسیار بعید است ومعنی اول طیره
اظهر است واحادیث در باب تاثیر مختلف است ومقتضی جمع میان انها انست اگر توکل
باشد ونفس ازان متاثر شود ممکنست تقصیری بکند واگر توکلش برخدا قوی باشد واعتنا
او کند اثر نمیکند هشتم وسوسه در تفکر خلق است ودر حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که سه چیز است که نجات نیافته است از ایشان پیغمبر پیغمبری و نه کسی که پست تر است از او تفکر در وسوسه
بر خلق وطیره وحسد مگر انکه مؤمن بکار نمیفرماید حسد خود را و بر تقدیر این فقره چند
احتمال دارد اول انکه مراد وسوسهای شیطان باشد که حادث میشود بسبب تفکر در احوال
خلق وگمان بد بردن بایشان بسبب انچه مشاهده میشود از افعال واحوال ایشان وحق تعالی بر ان
مؤاخذه نمیفرماید زیراکه دفع ان از نفس غالبا ممکن نیست و واجبست بر او که باین گمان حکم نکند و
اظهار ننماید وعمل بموجب ان نکند یا انکه قدح کند در ایشان و رد شهادت ایشان بکند ودر احادیث
عامه وارد شده است که هرگاه ظن وگمان کنی تحقیق وجزم مکن ودر حدیث دیگر وارد شده است
زنهار حذر کنید از گمان بد بردن بدرستیکه ظن بد بردن دروغ ترین سخنهاست دوم انست
که مراد تفکر در وساوس باشد که حادث میشود در نفس مثل خلق اشیا وانکه خدا را که افریده است
وکه ایجاد کرده است ودر کجاست ازمثل اینها از امور دیگر اینکه اگر تکلم کند باینها موجب کفر وزندقه خواهد
بود چنانکه در وسوسه گذشت سیم انکه مراد تفکر کردن باشد در قضا وخلق اعمال عباد وحکمت
در خلق بعضی از شرور در عالم مانند خلق ابلیس وموذیات وتمکین اشرار بر ابرار واعدا
وخلق کفار وخلق جهنم ومخلد بودن کفار در ان ومثل اینها از اموری که کم کسی از اینها خلاص
میباشد واینها همه معفو است هرگاه مستقر نگردد در نفس بسبب این شک در عدل وحکمت حق تعالی
بهم نرسد ودر روایت ابن بابویه که مالم ینطق بشفته یعنی مادامی که تکلم نکند بلب ودر این مقام الحسد
معنی اول ظاهر تر است نهم حسد است مادام که ظاهر نکند بزبان یا بدست واز این حدیث
ظاهر میشود که حسدی که اظهار نکنند داخل معاصی نیست یا معفو است واین روقتی

امابوسعت رحمت الهی انسب است زیراکه کم کسی است که خود را ازین خالی تواند کرد واین تکلیف نسبت
بالکل خلق موجب حرج است وممکن است که مادام که اظهار نکند متعلق بوسوسه وطیره نیز باشد چنانکه ادا شتی
اینها ... معانی چون بر حق تعالی قبیح است وصدور بعضی از اوها محال است شاید مراد اختصاص مجموع این
خصال باشد باین امت پس منافات ندارد با انکه بعضی مشترک باشد میان این امت وسایر امم والله یعلم
واحادیث بسیار وارد شده است که امری که از جانب خدا بر بنده وارد شود اولی است بقبول عذر تا امری
از بنده دوم بیان نفی مایه ودر ان باب حجت بر ایشان تمام نیست که ان ایشان را عذاب بکنید وایضا
اخبار بسیار وارد شده است که حق تعالی برداشته است قلم تکلیف از کودک تا محتلم شود واز
دیوانه تا عاقل شود واز کسی که در خواب باشد تا بیدار شود وشیخ طوسی بسند معتبر از حضرت رسول
صلی الله علیه واله روایت کرده است که حق تعالی وحی میکند بحافظان کرام که کاتبان اعمال عباداند
منویسید گناهی بر بنده مؤمن من در وقت دلتنگی وضجرة وشیخ کلینی روایت کرده است بسند حسن
کالصحیح از علی بن عطیه که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم مردی از ان حضرت سؤال
کرد از شخصی که از او امری صادر میشود در حد غضب ایا خدا او را مؤاخذه میکند حضرت فرمود خدا ازان کریم
تر است که او را ... واو را مؤاخذه کند وابن بابویه رحمه الله در رساله اعتقادات گفته است
که اعتقاد ما در تکلیف انست که الله تعالی تکلیف نکرده است بندگان خود را مگر کمتر از انچه طاقت
دارند چنانچه فرموده است لا یکلف الله نفسا الا وسعها یعنی تکلیف نکرده است خدا نفسی را مگر بقدر
وسع وامکان او ووسع کمتر از طاقت است وحضرت صادق ع فرمود که بخدا سوگند که تکلیف نکرده است
بندگان را مگر کمتر از انچه طاقت دارند زیرا که تکلیف کرده است ایشان را در هر شبانروز پنج وقت
نماز وتکلیف کرده است ایشان را در سالی سی روز روزه وتکلیف کرده است ایشان را در هر دویست درهم
پنج درهم وتکلیف کرده است ایشان را در تمام عمر یک حج وایشان طاقت زیاده از اینها هم دارند خاتم
... بعد از انقضای امور فنا مثل ابن بابویه وعیاشی از محمد بن مسلم روایت کرده اند
... خدای عز وجل خلق کرده است در زمین از روزی که زمین را خلق

کرده است جهت عالم که ایشان از فرزندان بنی آدم‌اند و خلق کرد ایشان را الله از ادیم ارض یعنی
از روی زمین پس ساکن کرد ایشان را در زمین یکی بعد از دیگری با عالم خود پس خلق کرد ابو
البشر آدم را و ذریت او را از آن نه والله خالی نبوده است بهشت از ارواح مؤمنان از روزی که
بهشت را خلق کرده است و خالی نبوده است جهنم از ارواح کافران و عاصیان از روزی که جهنم را خلق
کرده است شاید گمان کنید که چون روز قیامت شود حق تعالی بدنهای اهل بهشت را با ارواح
ایشان به بهشت فرستد و بدنهای اهل جهنم را با ارواح ایشان در جهنم ساکن کرداند خداوند [illegible] ایشان صح
عبادت نخواهد کرد در بلاد او و خلقی نخواهد آفرید که او را بکنند و اعتقاد به یکتایی او بکنند و [illegible]
او بنمایند چنین نیست بلکه بلکه خلق دیگر خواهد آفرید که او را بیگانگی عبادت کنند و زمینی
خواهد آفرید که ایشان را بردارد و آسمانی خواهد آفرید که بر ایشان سایه بیفکند آیا نشنیده
که حق تعالی فرموده است روزی که بدل شود زمین بغیر این زمین و بدل شود آسمانها و فرموده
که آیا ما ماندیم شده‌ایم و به تنگ آمدیم از خلق اول بلکه ایشان در شبهه‌اند و شک دارند در خلق
تازه و مراد این خلقی که بعد از قیامت خواهد شد و ابن بابویه در خصال بسند معتبر از حضرت [illegible] روایت
کرده است که در تفسیر آیه دویم فرمود که حق تعالی فانی میکرداند این خلق را و این عالم را و
ساکن میکرداند اهل بهشت را در بهشت و اهل جهنم را در جهنم تجدید میفرماید که او را بپرستند و
واز برای ایشان خلق میکند زمینی بغیر این زمین که ایشان بر روی او باشند و آسمانی
بغیر این آسمان که بر بالای سر ایشان باشد شاید گمان کنی که خدا همین یک عالم را آفریده است
و خلقی بغیر شما نیافریده است بلکه بخدا سوگند که حق تبارک و تعالی هزار هزار عالم
و هزار هزار آدم آفریده است که تو در آخر این عالمها و آدمهایی [illegible]
اکابر محدثین در کتب معتبره ایراد کرده‌اند و متکلمان امامیه متعرض این [illegible] نفی
و اثبات نشده‌اند و [illegible]
مورث جزم و قطع [illegible]

بازبینی شد
۱۳۷۱ ش

[illegible]

۱۳۷۲/۷/۲۶

قد تمت تسوید هذه النسخة الشریفة فی یوم الخمیس من شهر [illegible]
الف و مایتین [illegible] من الهجرة النبویة
علیه افضل السلام والتحیة [illegible]
الف [illegible] سنه ۱۲۳۱
علی ید الاقل الجانی [illegible]
محمد [illegible]

[illegible] قبر [illegible] مسکن
روز [illegible] شود [illegible]
[illegible] کفن [illegible]
[illegible] لطف [illegible] نشود
پس [illegible]
کاتب [illegible]
ماه ربیع [illegible]

۳۰۲

...ند وخلق کو دایناً [illegible] ادیر اهل [illegible]

...د و عقل شما از [illegible] ... دیکوی یا عالم [illegible] خلق کو [illegible]

... [illegible] مؤمن [illegible] اندوری [illegible]

...تکذیب قائل انها حکینید و تاویلش ... اند و دوری که جهنم [illegible]

... اهل بهشت [illegible]

...ع و در مرتبه تجویز و احتمال میکزاریم تمام شد رساله ...

... بید رب العالمین در اواخر شهر شعبان المعظم سال هزار و صد و ند از هجره مقدسه و چون ... سبیل

... و در هنگام [illegible] و در ایام اشتغال بوشته بمند ملتمس از ناظران در ان آنست که بزودی

... احوال نور [illegible] بند و چون تجدید و ترمیم اصول مندرسه امامیه که سالها است

... انار انهامی [illegible] و اکثر متدینان علم اعراض از انها نموده اند و اصول حکما و معتزله

قرده حیو... [illegible] آیات کریمه و اخبار متواتره و روایات معتبره بر داشته الله

وخلقی بعضی شما نیافریده

وهزار هزار آدم آفریده است که ... مبتلا نکردانند و کاهی بطلب غفران و ...

اکابر محدثین در کتب معتبره ایراد کرده اند

... بین محمد و عالمه الاکرمین و لعنت الله ...

دا ثبات نشده اند و ...

موردث جزم و قطع با ...

باز بینی شد
۱۳۷۱ ش

[illegible]

۲۶ /۷/ ۱۳۷۲